

انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال چهاردهم، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۹۸، ۲۰۵-۲۳۳

مقاله پژوهشی

وضعیت و پیش‌بینی‌کننده‌های احتمال اشتغال در بین متولدین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ شهر دهدشت

سهیلا پرویزی^۱

علی‌یار احمدی^۲

سراج‌الدین محمودیانی^۳

چکیده

اشتغال مسئله‌ای اجتماعی و اقتصادی است که پیامدهای فردی و ساختاری دارد. در مطالعه حاضر وضعیت و پیش‌بینی‌کننده‌های اقتصادی و اجتماعی اشتغال در بین افراد متولد سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در شهر دهدشت مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور تعداد ۳۸۹ نفر با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و نمونه‌گیری خوشه-ای چند مرحله‌ای پیمایش شدند. تحلیل چند متغیره لجستیک نشان داد که متغیرهای

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۸

۱ کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز،
sohayla.parvizi@gmail.com

۲ دانشیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، (نویسنده مسئول)
ahmadi.aliyar@gmail.com

۳ استادیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز،
serajmahmoudiani@gmail.com

جنسیت و تجربه مهارت‌آموزی تأثیر آماری معناداری بر وضعیت اشتغال افراد دارند. براساس یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان نتیجه گرفت که دانشگاه‌ها باید توجه بیشتری به آموزش مهارت‌های مرتبط با بازار کار داشته باشند. برای این هدف پیشنهاد می‌شود که بخشی از دوره‌های درسی دانشجویان به مهارت‌های مرتبط با نیازهای بازار کار اختصاص یابد. رفع تبعیض‌های جنسیتی بازار کار نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اشتغال، جنسیت، مهارت، آموزش عالی، شهر دهدشت.

مقدمه و بیان مسأله

اشتغال در تمام مباحث اقتصادی یک بحث کلیدی و استراتژیک است، زیرا تأمین یا عدم تأمین اشتغال نیروی انسانی می‌تواند اثرات مثبت و منفی در چگونگی دستیابی به توسعه هر کشور داشته باشد (قدیری معصوم، مهدوی و برقی، ۱۳۸۴: ۱۵۴). توسعه زمانی تحقق پیدا می‌کند که از تمام عوامل و امکانات و منابع تولید کشور استفاده شود (توسلی ۱۳۷۵). امروزه بیکاری یکی از مسائلی است که کشورهای جهان با آن روبه‌رو هستند و تحقیقات زیادی در کشورهای در حال توسعه در زمینه اشتغال و بیکاری جوانان انجام شده است. هرگونه ارتباط میان بخش‌های آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال طلب می‌کند که سناریوهای روشن‌تری اشتغال و کار را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. دنیای امروز با تعابیر مختلفی، مانند جامعه پسا صنعتی، جهانی شدن و جامعه مخاطره‌ای (بک^۱ ۱۹۹۲) تفسیر می‌شود.

از قرن هجدهم موضوع بیکاری در جوامع صنعتی به عنوان یک مشکل اجتماعی حاد بیان شده که ناشی از انقلاب صنعتی و تغییر الگوهای تولید، مهاجرت روستاییان به شهرها و توجه سرمایه‌داران به کسب سود بیشتر است. امروزه جوامع در حال توسعه بیشتر از جوامع صنعتی در معرض آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از بیکاری قرار دارند. موضوع اشتغال و دستیابی افراد به

شغل مورد نظر از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود. یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره از جمله دغدغه‌های اساسی برنامه ریزان بوده است (صیدایی، بهاری و زارعی ۱۳۹۰).

موضوع اشتغال به طور ویژه با شهرها گره خورده است (وارثی، قنبری و پورقیومی ۱۳۹۱) و مهمترین نکته در ویژگی‌های شهرها ایجاد اشتغال و تنوع آن است (قرخلو و عابدینی ۱۳۸۸). بیشتر شهرها در ایران، فرصت‌های اشتغال کافی در محدوده خود ندارند (وارثی و زیرک‌باش ۱۳۸۵). از آنجایی که اشتغال مانعی در برابر فقر، محرومیت و بزهکاری و راهی برای توسعه و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی است و اشتغال در سطح فردی باعث شکوفایی ظرفیت افراد و افزایش شأن و منزات اجتماعی افراد می‌شود از این رو سیاست‌گذاری در راستای توسعه و اشتغال، بهترین سیاست ضد فقر، ضد جرم و حمایت از خانواده به‌شمار می‌آید. امروزه نقش اشتغال در پویایی زندگی جوامع شهری بر کسی پوشیده نیست، به طوری که می‌توان گفت بسیاری از مسائل و مشکلات جوامع شهری ریشه در ساختار بیمارگونه اشتغال آنها دارد (زنگی‌آبادی، رحیمی و مسیبی ۱۳۹۲). جایگاه اجتماعی به عنوان مؤلفه‌ای مهم در انتخاب شغل مطرح است. تقریباً تمام افراد تمایل دارند شغلی داشته باشند که از جایگاه اجتماعی خوبی برخوردار باشد. هر چند در عمل به دلیل تأثیر عوامل متعدد دیگر ممکن است این تمایل به واقعیت نرسد اما برای افرادی که این مسأله اولویت بیشتری دارد منتظر چنین موقعیت‌هایی هستند و با توجه به شرایط فردی خود تلاش می‌کنند چنین شرایطی را برای خود مهیا کنند. برخی مطالعات (قلی‌پور ۱۳۸۰) گویای آن است که اشتغال و بیکاری به عنوان یک مسأله تأثیرگذار بر دیگر موضوعات جوامع بشری است. به عبارتی دیگر بحث اشتغال با مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ارتباط تنگاتنگی دارد و توجه به این موضوع در این مباحث با اهمیت جلوه کرده است. در واقع وضعیت مطلوب اقتصادی در یک کشور متضمن حفظ اشتغال کامل و نیز ایجاد فرصت‌های

شغلی جدید بوده و از مشخصه‌های عمده این وضعیت، تعادل بین عرضه و تقاضا نیروی کار در بازار کار بوده است. عدم اشتغال نیروی انسانی تحصیل‌کرده آثار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی مختلفی در پی خواهد داشت. یکی از عوامل اصلی آسیب‌های اجتماعی جوانان، بیکاری و وضعیت اشتغال آنها خواهد بود. به همین دلیل بیکاری می‌تواند هم به عنوان یک آسیب اجتماعی و هم به عنوان علت مسائل و آسیب‌های اجتماعی نگریسته شود. بنابراین بسیار حایز اهمیت خواهد بود که ابعاد گوناگون این آسیب، بازشناسی شود و برای حل آن برنامه‌ریزی و اقدامات لازم در سطح خرد و کلان انجام گیرد.

ساختار سنی جمعیت ایران جوان است که پتانسیل‌های بشمارای برای خلق، نوآوری و خلاقیت در عصر حاضر دارد. مشارکت زنان در امر اشتغال یکی از پیامدهای اساسی گسترش توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه محسوب می‌شود. ساختار جنسیتی جامعه ایران در عرصه اشتغال نامتوازن است (شربتیان ۱۳۸۵). بر اساس شواهد موجود در ایران مسأله اشتغال از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیست و نرخ بیکاری رقم بالایی را نشان می‌دهد به طوری که نرخ بیکاری که در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۰، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ به ترتیب برابر با ۱۴/۲، ۱۱/۲، ۹/۱، ۱۴/۲، ۱۱/۳، ۱۲/۳ و ۱۲/۵ درصد بوده در سال ۹۶ به ۱۲/۶ درصد رسیده است. نکته حایز اهمیت دیگر در این میان آن است که بالاترین نرخ بیکاری به نیروی جوان اختصاص دارد. به طوری که طبق آمار سال ۹۶ درصد بیکاران در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله برابر ۲۶/۴ درصد بوده است که رقم خیلی بالایی را نشان می‌دهد. مقوله اشتغال در کلان شهرها به دلیل حجم بالای جمعیت در این شهرها و بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از نبود فرصت‌های لازم برای اشتغال بیشتر می‌تواند به عنوان یک مسأله اجتماعی بالقوه قابل تأمل باشد (مرکز آمار ایران ۱۳۹۴).

بالا بودن نرخ بیکاری آن هم در بین جوانان می‌تواند با موضوعات و مسائل جمعیتی کشور نیز ارتباط تنگاتنگ یابد. امروزه کاهش باروری و فرزندآوری از مهمترین مسائل جمعیتی کشور

قلمداد می‌شود. بخشی از اتفاق مذکور ریشه در بالا رفتن سن ازدواج و پایین آمدن شمار ازدواج در کشور از سویی و افزایش نرخ طلاق از سویی دیگر دارد. به عبارتی افزایش سن ازدواج و کاهش میزان ازدواج از عوامل تبیین‌کننده تغییرات باروری خواهد بود. شواهد (محمودیان ۱۳۹۹) نشان داده است که افزایش بیکاری به افزایش سن ازدواج، کاهش میزان ازدواج و افزایش میزان طلاق خصوصاً برای مردان انجامیده است. در همین راستا تأکید می‌شود که (عباسی‌شوازی ۱۳۹۹؛ صادقی ۱۳۹۹؛ محمودیان ۱۳۹۹) اشتغال‌زایی، اشتغال پایدار و رفع بیکاری جوانان از مهمترین سیاست‌های جمعیتی است که باید در دستور کار مسئولان قرار گیرد تا از این طریق بتوان مانع از افزایش سن ازدواج و کاهش میزان ازدواج و متعاقب آن مانع از کاهش بیشتر میزان رشد جمعیت و سطح باروری شد. شهر دهدشت مرکز شهرستان کهگیلویه در استان کهگیلویه و بویر احمد است. استان کهگیلویه در سال ۱۳۹۵ مشتمل بر هشت شهرستان بویراحمد، کهگیلویه، گچساران، دنا، بهمئی، چرام، باشت و لنده بوده است که به ترتیب دارای نرخ بیکاری ۱۰/۷، ۱۳/۰۱، ۱۶/۰۱، ۸/۹، ۱۷/۷، ۱۶/۹، ۱۴/۶ و ۱۲/۶ درصد بوده‌اند. نرخ بیکاری کل استان نیز ۱۲/۹ درصد بدست آمده است. شهرستان کهگیلویه با نرخ بیکاری ۱۳/۰۱ درصد از نظر نرخ بیکاری رتبه پنجم را در استان دارد و از متوسط کشوری و متوسط استانی نیز بالاتر است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵).

در مطالعه حاضر تلاش شده است که وضعیت اشتغال در بین کوهورت متولدین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ شهرستان دهدشت و تعیین‌کننده‌های آن مورد بررسی قرار گیرد. اهمیت و ضرورت پرداخت به کوهورت متولدین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در آن است که این کوهورت هم متولد دوره انفجار موالید در ایران هستند و از نظر سنی باید بازار کار امروز عمدتاً متشکل از این افراد باشد. از این‌رو پرسشی که قابل طرح است این است که چه نسبتی از این افراد وارد بازار کار شده‌اند یعنی شاغل هستند و پرسش دوم که موضوعیت پیدا می‌کند آن است که مهمترین عوامل تأثیرگذار بر یافتن شغل چه بوده است. در مطالعه پیش‌رو تلاش می‌شود پاسخی به این‌گونه

پرسش‌ها داده شود. البته لازم به ذکر است این مطالعه به دنبال بررسی اثر نسل نیست و مطالعه‌ای مقطعی است که از نظر بینادی و کاربردی به دانش و شناخت بیشتر ما درباره وضعیت اشتغال افراد متولدین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ کمک خواهد کرد. متولدینی که بالاترین نقش در تغییرات جمعیتی کشور از جمله ازدواج و فرزندآوری را داشته و کماکان دارند. از نظر کاربردی نیز تلاش خواهد شد با شناسایی وضعیت و عوامل تعیین‌کننده اشتغال در بین افراد فوق‌الذکر راهکارهایی برای رفع مسأله مورد بررسی ارائه شود. رفع بیکاری و کاهش میزان آن بی‌تردید می‌تواند وضعیت شاخص‌های مهم جمعیتی مانند ازدواج، طلاق و فرزندآوری را دستخوش تغییر قرار دهد.

مطالعات پیشین

در این بخش، برخی از مهم‌ترین مطالعات انجام شده مرور می‌گردند. تحلیل کمی روند رشد و تحولات اشتغال در استان خراسان در ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ نشان داده است که با وجود کاهش رشد سالیانه اشتغال به عنوان تحولی منفی در این استان، کاهش شدید رشد شاغلان خدماتی و رشد قابل‌ملاحظه شاغلان بخش صنعت تحولی مثبت تلقی می‌شود (شایان ۱۳۸۰). صباغ‌کرمانی (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان تجزیه و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای اشتغال در استان‌های کشور نشان داده که نابرابری بین استان‌های صنعتی و غیرصنعتی در طی دوره ۱۳۷۶-۱۳۵۳ کاهش یافته است. صفوی (۱۳۸۳) در یک بررسی نشان داده است که زیربخش نساجی، بیشترین ضریب اشتغال و بالاترین توان اشتغال‌زایی را داشته است و فرآورده‌های نفتی کمترین شغل را در جامعه به وجود آورده‌اند و کمترین توان بالقوه اشتغال‌زایی را دارند. فرهودی و محمدی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل و پیش‌بینی وضعیت اشتغال در شهر سهندج نشان داده‌اند که غلبه بخش خدمات در تمام دوره‌های مورد مطالعه مشهود است و با توجه به جمعیت و نیز تعداد شاغلین پیش‌بینی شده، لازم است فرصت‌های شغلی به سمت گروه‌های دیگر از جمله کشاورزی و صنعت سوق داده شود. مطالعه‌ای (تقدیسی، جمینی و مرادی ۱۳۹۰) که به بررسی

و تحلیل روند اشتغال و بیکاری در شهرستان صحنه طی دوره‌های ۸۵-۱۳۷۵ پرداخته نشان داده است که نرخ بیکاری در این شهرستان در دوره ۱۳۸۵ نسبت به ۱۳۷۵، حدود ۶ درصد و میزان هریک از شاخص‌های جمعیت ۱۰ سال و بیشتر، جمعیت فعال، شاغلان بخش کشاورزی به ترتیب ۱۰ درصد، ۱۱ درصد و ۱۰ درصد افزایش یافته است.

در مطالعه‌ای (براتعلی، یوسفی و میرشاه‌جعفری ۱۳۸۹) با تأکید بر تحصیلات عالی نشان داده شده که کسب مدارک بالاتر تحصیلی آموزش عالی با افزایش اشتغال همراه است. آزمودنی‌ها همچنین نقش بالای آموزش عالی را در توسعه اشتغال و ارتقای موقعیت شغلی گزارش کرده‌اند. کهنسال و رفیعی‌دارانی (۱۳۹۲) در مطالعه خود با هدف بررسی پتانسیل اشتغال‌زایی بخش کشاورزی استان خراسان رضوی در عرصه‌های مختلف شهر و روستا به تفکیک جنسیت نشان داده‌اند که کثرت اشتغال‌زایی زنان در بخش کشاورزی بیشتر از مردان است. مطالعه‌ای دیگر (قنبری، جمینی و کماسی ۱۳۹۱) از آن حکایت دارد که تبعیض و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی که عمدتاً از مهمترین چالش‌های شهرهای مرزنشین است پیامدهایی مانند فقر و محرومیت، آشفتگی، مهاجرت و توسعه نیافتگی مناطق را در پی دارد. با توجه به نتایج برخی مطالعات (خواجه نوری، لهسایی‌زاده و جهانگیری ۱۳۸۳) رابطه معکوسی، بین سطح تحصیلات و مشارکت در فعالیت‌های اقتصاد روستایی در بین زنان وجود دارد. بین متغیر سن و مشارکت روستایی رابطه مثبتی وجود دارد. بین سطح تحصیلات و درآمد مردان و زنان روستایی رابطه معکوسی وجود دارد.

پژوهشی دیگر (نجفی ۱۳۸۸) در این زمینه نشان داده است که در بیشتر کشورهای توسعه یافته شرکت‌های تعاونی با جمع‌آوری سرمایه گروه‌های کم‌درآمد با بهره‌گیری از مشارکت اعضا توانسته‌اند بنگاه‌های اقتصادی بزرگی را تأسیس کنند و در ایجاد تعادل درآمدی و گسترش اشتغال نقش داشته باشند. رضایی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای در کردستان به این نتیجه رسیده است که علل بیکاری در این استان، ضعف اقتصادی و مهاجرت بوده و در مقابل پیامدهای آن نیز

شامل بالا رفتن سن ازدواج، مهاجرت، اتلاف سرمایه، شکاف و بی‌اعتمادی بین دولت و ساکنان مناطق کُردنشین است. محسنی‌تبریزی و میرزایی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای نشان داده‌اند که متغیرهای نیاز به موفقیت، انگیزه اقتصادی، فردگرایی، آرزوها و ترجیحات شغلی به ترتیب قوی-ترین عوامل تأثیرگذار بر انگیزش کار در بین زنان و جوانان ساکن روستاهای آذربایجان شرقی هستند. احمد^۱ (۱۹۸۴) در مطالعه‌ای نشان داده است که زنان ایرانی در فعالیتهای کم‌درآمد و بی‌ثبات به کار گمارده می‌شوند. زنان به خاطر فشارهای شدید فقر و نگهداری از خانواده‌شان به دنبال کار می‌روند. مانگ^۲ (۱۹۸۵) در تحقیق خود در میانمار به این نتیجه رسیده است که با بالا رفتن سطح سواد، سست شدن هنجارهای سنتی و تشویق زنان، میزان مشارکت اقتصادی آنها بیشتر خواهد شد. آرستیس و ماریسکال^۳ (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که موجودی سرمایه از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بیکاری دراز مدت است. پژوهش‌هایی دیگر (برایان^۴ ۲۰۰۲؛ لی و ژانگ^۵ ۲۰۱۰) به ترتیب در انگلستان و چین نشان داده‌اند که میزان موفقیت جذب کار دانش‌آموختگان زن به مراتب بالاتر از دانش‌آموختگان مرد بوده که علت اصلی آن ناشی از جنبه‌های تبلیغاتی شغلی و مسئولیت‌پذیری بیشتر خانم‌ها در محیط شغلی است. همچنین نتایج نشان داده است که رتبه دانشگاه در وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان خود تأثیر بسیاری داشته است.

مطالعه‌ای در یونان (کاستوگلو و آدامیدیس^۶ ۲۰۱۰) نشان داده که جنسیت، رشته و دانشگاه تحصیلی بیشترین تأثیرگذاری را بر اشتغال فارغ‌التحصیلان بیست رشته دانشگاهی داشته است. مطالعه‌ای دیگر (جون و فان^۷ ۲۰۱۱) نشان داده است دانشجویانی که از دانشگاه‌های معتبر فارغ‌التحصیل می‌شوند، نسبت به دیگر فارغ‌التحصیلان وضعیت شغلی مناسب‌تری دارند. همچنین نتایج تحقیق مذکور حاکی از آن است که وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان انواع

1 Ahmad

2 Maung

3 Arestis & Mariscal

4 Brynin

5 Liand Zhang

6 Kostoglou and Adamidis

7 Jun and Fan

رشته‌های تحصیلی، متفاوت است. براساس مطالعات دیگر (گاسالیا و کومار^۱ ۲۰۱۶؛ کومار و مورالی^۲ ۲۰۱۳) مهارت‌های ارتباطی، دانش عملی، دانش فنی و دانش نرم‌افزاری از دیگر عوامل لازم و مهم برای اشتغال فارغ‌التحصیلان بوده است. همچنین نتایج برخی مطالعات (دانا، باکار و محمد^۳ ۲۰۱۳) گویای آن است که سه مؤلفه خودباوری، سطح آموزش صنعتی و مشارکت دانش‌آموخته‌ها در برنامه‌های توسعه مهارت‌های شغلی، به همراه جنسیت از عوامل مؤثر بر اشتغال‌پذیری افراد است. پژوهشی در کشور کویت (المطیری، ناصر و سعید^۴ ۲۰۱۴) به این نتیجه رسیده است که توانایی‌های نرم، دانش و قدرت کار تیمی بیشترین اهمیت را برای کارفرمایان دارد و ویژگی‌های شخصیتی کمترین اهمیت را دارا می‌باشد. تأثیر رشته دانشگاهی افراد بر یافتن شغل یا بیکار ماندن آن‌ها در مطالعات دیگری (ادینیانگ، اودی و گیمبا^۵ ۲۰۱۵) نیز تأیید شده است. بخشی دیگر از مطالعات (واکسی و یوکی^۶ ۱۹۸۴؛ اسمیت^۷ ۲۰۰۵) به بررسی عدم انطباق بین رشته تحصیلی و شغل فرد پرداخته‌اند. مطالعات مذکور عمدتاً به بررسی شاغلان در سازمان‌ها و مراکز دولتی پرداخته‌اند و دریافته‌اند که عدم همخوانی رشته تحصیلی و شغل آسیب‌های زیادی به دنبال خواهد داشت.

در مجموع، مرور مطالعات پیشین از آن حکایت دارد که مطالعات بسیاری در زمینه اشتغال در مناطق مختلف کشور انجام شده است که خود به نوعی بیانگر اهمیت پرداخت به این موضوع است. همچنین مرور مطالعات پیشین گویای آن است که اغلب استان‌ها و شهرهای کشور با این مسئله مواجه هستند. در مطالعه حاضر توجه بر یک کوهورت متولدین خاص یعنی متولدین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ جایگاه این مطالعه را نسبت به مطالعات پیشین آشکار می‌سازد. عمده مطالعات قبلی در سطح کلان با مسئله مورد نظر یعنی اشتغال برخورد نموده‌اند بدین معنا که

1 Gowsalyaand Kumar

2 Kumar and Murali

3 Dania, Bakar and Mohamed

4 AL-Mutairiand, Naser & Saeid

5 Edinyang, Odey & Gimba

6 Wexley & yuki

7 Smith

واحد تحلیل عمده پژوهش‌های پیشین فرد نبوده است در حالی که در مطالعه پیش‌رو واحد تحلیل فرد خواهد بود.

چارچوب نظری

عوامل مؤثر بر اشتغال به‌طور کلی در پنج دسته قابل شناسایی هستند که کسب مهارت‌های نرم (مهارت‌هایی غیرآکادمیک شامل مهارت‌های شنیداری، گفتاری، ارتباطی، رفتار حرفه‌ای و مواردی از این دست)، مهارت‌های حل مسئله (تفکر انتقادی، خلاقیت، قدرت رهبری و توان سازگاری)، مهارت‌های عملیاتی مختص هر شغل (مهارت‌های فنی و صلاحیت‌های لازم برای تصدی یک شغل خاص)، شرکت در دوره‌های کارآموزی و یا کارهای پاره‌وقت جهت آشنایی با بازار کار و مشاغل و اعتبار تحصیلات دانشگاهی (اعتبار دانشگاه محل تحصیل، اعتبار رشته تحصیلی فرد، عملکرد فرد در دوران تحصیل) را شامل می‌شود (فینچ و همکاران^۱ ۲۰۱۳). عوامل فوق‌الذکر به نحوی از انحا در نظریه‌های مختلفی قابل ردیابی هستند که در ادامه تلاش خواهد شد مهمترین نظریه‌های مرتبط مرور شوند.

نظریه توانمندسازی مهمترین مانع اجتماعی اشتغال زنان را مسأله آموزش می‌داند. زنان با توجه به دشواری‌هایی که بر سر راه آنها وجود دارد و برای دستیابی به مشاغل رسمی و دستیابی به سطح آموزشی بالاتر و یافتن شغل مناسب تلاش کرده‌اند که همزمان با افزایش سطح تحصیلات، سهم آنها در بازار کار روند صعودی پیدا کند.

نظریه حائز اهمیت دیگر، نظریه قابلیت‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها است. جامعه مبتنی بر دانش یا دانش محور، بیشتر به افراد فرهیخته نیاز دارد تا افرادی که در زمینه خاصی تعلیم یافته‌اند، دانشگاه‌ها باید به منظور پاسخ‌گویی به این تقاضا، توجه و تأکید بر برنامه‌های آموزش میان رشته‌ای زمینه توسعه و تقویت مهارت‌های مختلف را در بین دانش‌آموختگان را در دستور کار خود قرار دهد و از طریق بازنگری در شیوه‌های آموزش به

جای تأکید صرف بر آموزش‌های نظری، بکارگیری شیوه‌هایی از قبیل پروژه، کار آموزشی هدفمند یا یادگیری همراه با کار، کارورزی و توسعه ارتباط با مراکز صنعتی را اهمیت بخشید. از این طریق دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در کنار آموزش‌های نظری فرصت کار در پروژه‌های مرتبط با رشته تحصیلی خود را پیدا می‌کنند و از طریق کار در محیط واقعی مهارت‌های خود را به‌بوت‌آزمایش و نقد می‌گذارند و نیازمندی‌های مهارتی خود را بر طرف خواهند کرد (شرفی و عباس-پور ۱۳۹۴). با توجه به اهمیت موضوع طبیعتاً مطالعات نسبتاً زیادی از زوایای مختلف اشتغال را کانون توجه خود قرار داده‌اند. توجه به مباحث جنسیت و نابرابری در اشتغال، وضعیت اشتغال در یک منطقه جغرافیایی خاص، پیامدهای اشتغال و بیکاری، تعیین‌کننده‌های اشتغال و به‌خصوص تحصیلات از مهمترین دغدغه‌هایی بوده است که پژوهشگران را به تحقیق درباب اشتغال یا روی دیگر سکه یعنی بیکاری کشانده است.

براساس مطالبی که در بخش نظری و نیز مطالعات پیشین گفته شد مدل زیر قابل ترسیم است.



نمودار ۱. مدل نظری پیش‌بینی‌کننده‌های وضعیت اشتغال افراد مورد مطالعه

ویژگی‌های تحصیلی افراد به همراه زمینه خانوادگی آنها از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر وضعیت شغلی افراد است. انتظار می‌رود که افراد با تحصیلات بالاتر و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی معتبر وضعیت اشتغال بهتری را تجربه کرده باشند. افرادی که غیر از تحصیل یا به واسطه خانواده و یا از طرق دیگری تجربه کار و مهارت‌آموزی داشته‌اند به احتمال بالاتر از وضعیت اشتغال بهتری برخوردار باشند. هر اندازه بُعد خانوار کوچک‌تر باشد و یا فرد بیکار در خانواده نباشد احتمال می‌رود در بازار کار موفقیت بهتری از نظری کسب شغل پشت سر گذاشته باشند. تحصیلات والدین نیز می‌تواند بر وضعیت اشتغال تأثیر بگذارد طوری که انتظار می‌رود فرزندی که والدینی با تحصیلات بالاتر دارند از وضعیت اشتغال بهتری برخوردار باشند. متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز همانند سن و جنس و محل تولد از دیگر تعیین‌کننده‌های وضعیت اشتغال است که باید کنترل شوند.

روش و داده‌های تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پیمایش است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه متولدین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ شهر دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۵ است که تعداد آنها بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ برابر با ۱۰۲۶۰ نفر می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه مورد استفاده در دو بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی و اقتصادی-اجتماعی و اطلاعات مرتبط با اشتغال آماده شد. در پژوهش حاضر برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. این پژوهش با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است. در این پژوهش از بین ۱۰۲۶۰ نفر جامعه آماری براساس فرمول کوکران ۳۶۹ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که به منظور پوشش ریزش احتمالی افراد، ۳۹۰ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. اعتبار و پایایی در مطالعه حاضر با استفاده از روش اعتبار صوری و آلفای کرونباخ بررسی و تأیید شد. برای بررسی اعتبار در تحقیق حاضر، پرسشنامه توسط اساتید متخصص ارزیابی، اصلاح و تأیید شد. پایایی نیز با

مقدار ۰/۷ بیانگر همسازي درونی گویه‌های استفاده شده بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌ها

تحلیل داده‌ها نشان داد که سن پاسخگویان بین ۳۰ تا ۴۱ سال در نوسان و میانگین سنی پاسخگویان نیز برابر با ۳۳/۸ سال است. همان‌طوری که اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد حدود ۵۵ درصد پاسخگویان را مردان و ۴۶ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. حدود ۴۴ درصد پاسخگویان متولد شهر بوده‌اند. ۳۵ درصد نمونه مورد بررسی مجرد و حدود ۶۲ درصد دارای همسر بوده‌اند.

جدول ۱. توزیع نمونه برحسب برخی ویژگی‌های جمعیتی

متغیر	درصد	فراوانی
جنسیت		
مرد	۲۱۵	۵۵/۳
زن	۱۷۴	۴۴/۷
کل	۳۸۹	۱۰۰
محل سکونت		
شهر	۱۷۳	۴۴/۵
روستا	۲۱۶	۵۵/۵
کل	۳۸۹	۱۰۰
وضعیت تأهل		
مجرد	۱۳۵	۳۴/۷
متاهل	۲۴۰	۶۱/۷
مطلقه	۱۱	۲/۸
بیوه	۳	۰/۸
کل	۳۸۹	۱۰۰

مندرجات جدول ۲ گویای آن است که حدود ۲۷ درصد پاسنخگویان دارای تحصیلات دیپلم، حدود ۲۲ درصد کارشناسی و حدود ۶ درصد نیز کارشناسی‌ارشد و بالاتر بوده‌اند. حدود ۲۷ درصد پاسنخگویان آخرین مدرک تحصیلی خود را از دانشگاهی دولتی و سایرین از دانشگاه‌های غیردولتی اخذ نموده‌اند. براساس یافته‌ها مشخص شد که تنها حدود ۲۲ درصد پاسنخگویان به-واسطه خانواده خود تجربه نوعی کار را دارا بوده‌اند و سایر پاسنخگویان فاقد چنین تجربه‌ای هستند. همچنین یافته‌ها از آن حکایت دارد که تنها حدود ۳۴ درصد از نمونه مورد بررسی در زمان تحقیق شاغل بوده‌اند. یعنی در ۷ روز گذشته به کاری اشتغال داشته‌اند که از قبل آن صاحب‌مزدی شده‌اند. در مقابل ۶۶ درصد از کوهورت متولدین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ ساکن شهر ده‌دشت فاقد هر گونه درآمد در ۷ روز قبل از زمان تحقیق حاضر بوده‌اند. حدود ۴۹ درصد افراد مورد مطالعه اظهار داشته‌اند که غیر از تحصیل، حرفه یا مهارتی دیگر را نیز آموخته‌اند.

جدول ۲. توزیع نمونه برحسب ویژگی‌های تحصیلی-شغلی

متغیر	فراوانی	درصد
آخرین مدرک تحصیلی		
بی‌سواد	۹	۲/۳
ابتدایی	۵۹	۱۵/۲
راهنمایی	۴۷	۱۲/۱
دبیرستان	۳۹	۱۰/۰
دیپلم	۱۰۷	۲۷/۵
کاردانی	۲۲	۵/۷
کارشناسی	۸۳	۲۱/۳
ارشد و بالاتر	۲۳	۵/۹
کل	۳۸۹	۱۰۰
دانشگاه آخرین مقطع تحصیلی		
دولتی	۳۳	۲۶/۶

ادامه جدول ۲. توزیع نمونه برحسب ویژگی‌های تحصیلی-شغلی

متغیر	فراوانی	درصد
غیردولتی	۹۱	۷۳/۴
کل	۱۲۴	۱۰۰
وضعیت اشتغال		
شاغل	۱۳۱	۳۳/۷
بیکار	۲۵۸	۶۶/۳
کل	۳۸۹	۱۰۰
تجربه حرفه آموزی		
بله	۱۹۰	۴۹/۱
خیر	۱۹۷	۵۰/۹
کل	۳۸۷	۱۰۰
تجربه کار خانوادگی		
بله	۸۵	۲۱/۹
خیر	۳۰۴	۷۸/۱
کل	۳۸۹	۱۰۰

در جدول ۳ برخی از مشخصات خانوادگی افراد مورد مطالعه گزارش شده است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که متوسط تعداد اعضای خانواده نمونه مورد بررسی ۴/۴ نفر بوده است که می‌تواند بعد خانوار را منعکس نماید. خانواده‌های چهار نفره با نسبت ۲۹ درصد بالاترین شمار اعضای خانواده را به خود اختصاص داده است. نزدیک به ۷۹ درصد از نمونه مورد بررسی اظهار داشته‌اند که حداقل یک فرد بیکار در خانواده آنها وجود دارد که رقم نسبتاً بالایی را به خود اختصاص داده است. خانواده‌های دارای ۱ الی ۲ نفر بیکار با رقمی حدود ۸۰ درصد بالاترین نسبت را دارد. آمار مربوط به سطح تحصیلات والدین نشان می‌دهد که حدود ۵۰

درصد پدران و ۷۰ درصد مادران نمونه مورد بررسی بی‌سواد، حدود ۵ درصد پدران و ۳ درصد مادران پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند.

جدول ۳. توزیع نمونه برحسب ویژگی‌های اقتصادی-شغلی خانواده

درصد		فراوانی		متغیر
				تعداد اعضای خانواده
۲/۳		۹		یک نفر
۹/۸		۳۸		دو نفر
۱۴/۱		۵۵		سه نفر
۲۹/۰		۱۱۳		چهار نفر
۲۳/۴		۹۱		پنج نفر
۲۱/۴		۸۳		شش نفر و بالاتر
۱۰۰		۳۸۹		کل
مادر		پدر		سطح تحصیلات والدین
درصد معتبر	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۹/۸	۲۷۱	۵۰/۱	۱۹۵	بی‌سواد
۲۲/۷	۸۸	۳۳/۹	۱۳۲	ابتدایی
۳/۹	۱۵	۹/۳	۳۶	راهنمایی
-	-	۱/۰	۴	دبیرستان
۱/۰	۴	۰/۸	۳	دیپلم
۰/۸	۳	۱/۸	۷	کاردانی
۱/۸	۷	۲/۶	۱۰	کارشناسی
--	--	۰/۵	۲	ارشد و بالاتر
۱۰۰	۳۸۸	۱۰۰	۳۸۹	کل
درصد معتبر		فراوانی		تعداد افراد بیکار خانواده
۴۳/۱		۱۳۲		یک نفر
۳۷/۳		۱۱۴		دو نفر
۹/۵		۲۹		سه نفر

ادامه جدول ۳. توزیع نمونه برحسب ویژگی‌های اقتصادی-شغلی خانواده

متغیر	فراوانی	درصد
چهار نفر	۱۶	۵/۲
پنج نفر	۶	۲/۰
شش نفر	۹	۲/۹
کل	۳۰۶	۱۰۰
وجود افراد بیکار در خانواده	فراوانی	درصد معتبر
بله	۳۰۶	۷۹/۱
خیر	۸۱	۲۰/۹
کل	۳۸۷	۱۰۰/۰

در جدول ۴ تلاش شده است که روابط دو متغیره در قالب آزمون کای اسکوئر بررسی شود. نتایج نشان می‌دهد آخرین مدرک تحصیلی، تجربه مهارت‌آموزی، تجربه کار خانوادگی، جنسیت و وجود فرد بیکار در خانواده با وضعیت اشتغال نمونه مورد بررسی رابطه معناداری دارد. بیشترین درصد بیکاری از سویی متعلق به افراد بی‌سواد و دارای سواد ابتدایی و نیز از سویی متعلق به افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر است. افرادی که غیر از تحصیلات، به کسب نوعی مهارت پرداخته‌اند وضعیت اشتغال مناسب‌تری در مقایسه با هم‌تایان خود که تجربه مهارت‌آموزی نداشته‌اند، را به خود اختصاص داده‌اند. حدود ۴۶ درصد افرادی که تجربه مهارت‌آموزی داشته‌اند شاغل بوده که این رقم برای افرادی که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند حدود ۲۱ درصد بوده است. حدود ۴۶ درصد افرادی که غیر از تحصیل تجربه کاری خانوادگی داشته‌اند وارد بازار کار شده‌اند در حالیکه این نسبت برای افرادی که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند حدود ۳۰ درصد است. یافته‌ها از آن حکایت دارد که حدود ۴۳ درصد از مردان و در مقابل حدود ۲۲ درصد از زنان پیمایش شده، شاغل بوده‌اند که بیانگر وضعیت مناسب‌تر مردان برای ورود به بازار کار است. افرادی که در خانواده خود فرد بیکار نداشته‌اند نیز از وضعیت اشتغال بهتری

برخوردار بوده‌اند یعنی نسبت بیشتری از افرادی که متعلق به چنین خانواده‌های هستند توانسته‌اند شاغل شوند.

جدول ۴. تحلیل وضعیت اشتغال برحسب مشخصه‌های اقتصادی و جمعیتی-اجتماعی

χ ²	تعداد	وضعیت اشتغال		متغیر - سطوح متغیر
		شاغل	بیکار	
۱۸/۶*	۳۸۹	۷۷/۸	۲۲/۲	راهنمایی و کمتر
		۸۶/۴	۱۳/۶	متوسطه و دیپلم
		۶۱/۷	۳۸/۳	دانشگاهی (مرجع)
۲۸/۳*	۳۸۹	۵۳/۷	۴۶/۳	بله
		۷۹/۲	۲۰/۸	خیر
۷/۲*	۳۸۹	۵۴/۱	۴۵/۹	بله
		۶۹/۷	۳۰/۳	خیر
۰/۰۲	۳۸۹	۶۵/۹	۳۴/۱	شهر
		۶۶/۷	۳۳/۳	روستا
۰/۳	۳۸۹	۶۰/۶	۳۹/۴	دولتی
		۶۵/۹	۳۴/۱	غیردولتی
۱/۲	۳۸۹	۶۵/۸	۳۴/۲	راهنمایی و کمتر
		۸۵/۷	۱۴/۳	متوسطه و دیپلم
		۶۸/۴	۳۱/۶	دانشگاهی
۱/۳	۳۸۹	۶۶/۳	۳۳/۷	راهنمایی و کمتر
		۵۰/۰	۵۰/۰	متوسطه و دیپلم
		۸۰/۰	۲۰/۰	دانشگاهی
۱۹/۷*	۳۸۹	۵۶/۷	۴۳/۳	مرد
		۷۸/۲	۲۱/۸	زن
۳/۷	۳۸۴	۶۳/۳	۳۶/۷	۳۰ تا ۳۵ سال
		۷۳/۳	۲۶/۷	۳۶ تا ۴۱ سال

ادامه جدول ۴. تحلیل وضعیت اشتغال برحسب مشخصه‌های اقتصادی و جمعیتی-اجتماعی

X2	تعداد	وضعیت اشتغال		متغیر - سطوح متغیر	
		شاغل	بیکار		
۴/۰*	۳۸۷	۶۸/۶	۳۱/۴	بله	
		۵۶/۸	۴۳/۲	خیر	
۲/۹	۳۸۹	۵۵/۳	۴۴/۷	۱ تا ۲ نفر	
		۶۸/۵	۳۱/۵	۳ تا ۴ نفر	
		۶۷/۲	۳۲/۸	۵ نفر و بالاتر	
		۶۸/۵	۳۱/۵	۳ تا ۴ نفر	
		۶۷/۲	۳۲/۸	۵ نفر و بالاتر	

برای بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر وضعیت اشتغال نمونه پیمایش شده از تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شده است که نتایج در جدول ۵ ارائه شده است. برای این هدف سه مدل آزمون شده است. در مدل ۱ صرفاً متغیرهای جمعیتی شامل سن، جنس و محل تولد وارد معادله گردیدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که جنس تنها متغیر معنادار با وضعیت اشتغال افراد است. احتمال بیکاری در بین زنان به‌طور معناداری بیشتر از مردان مورد مطالعه است و حدود ۳ برابر احتمال بیکار بودن یا عدم اشتغال برای زنان در مقایسه با مردان قابل تصور است. متغیرهای فوق‌الذکر در مجموع حدود ۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را توانسته‌اند توضیح دهند.

در مدل ۲ علاوه بر متغیرهای مذکور متغیرهایی دیگر که در مدل تحت عنوان مشخصه‌های خانوادگی آمده است به مدل اضافه شده‌اند. تحصیلات والدین، فرد بیکار در خانواده و بُعد خانوار متغیرهای مذکور را در بر می‌گیرند. تحلیل داده‌ها گویای آن است که هیچ یک از متغیرهای نامبرده تأثیر آماری معناداری بر وضعیت اشتغال افراد مورد بررسی ندارند اما متغیر جنس همچنان معناداری خود را حفظ کرده است. قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مدل از حدود ۸ درصد به حدود ۱۲ درصد افزایش یافته است که این افزایش حدود ۴ درصدی را می‌توان تأثیر

ادامه جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک مربوط به اثرگذاری متغیرهای مستقل بر وضعیت اشتغال

متغیر - سطوح متغیر		مدل ۱			مدل ۲			مدل ۳		
	(B)	(Sig.)	Exp(B)	(B)	(Sig.)	Exp(B)	(B)	(Sig.)	Exp(B)	
دانشگاه	غیردولتی						-۰/۱۰۳	۰/۸۴۷	۰/۹۰۲	
	محل تحصیلی	دولتی (مرجع)								
تجربه مهارت	تجربه						۱/۲۹۲	۰/۰۰۸	۳/۶۴۱	
	مهارت آموزشی	بله (مرجع)								
تجربه کار خانوادگی	تجربه کار						-۰/۱۲۴	۰/۸۱۱	۰/۸۸۳	
	خانوادگی	بله (مرجع)								
مقدار R ²		0.084			0.116			0.284		

نتیجه‌گیری

اشتغال از مهمترین مسائل امروز جامعه ایران و از عواملی بوده که تأثیرگذاری زیادی بر فرد و جامعه به جای گذاشته است. نقطه مقابل اشتغال یعنی بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره از جمله دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است. با روندی که الگوی سکونتی در ایران طی نموده است یعنی گذار به شهرنشینی و گسترش روز افزون شهرها و جمعیت شهری، می‌توان این ادعا را طرح نمود که امروزه اشتغال و شهر پیوندی تنگاتنگ دارند. این مهم به این معناست که عمده شهرها با مسأله اشتغال دست و پنجه نرم می‌کنند و بیکاری یکی از مهمترین مسائل روز شهری است. اما از سویی دیگر، بازار کار امروز ایران در دست افرادی است که عمدتاً متولد سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بوده‌اند. اهمیت این کوهورت متولدین به دو موضوع برمی‌گردد: نکته اول آن است که

این افراد از نظر سنی امروزه باید وارد بازار کار شده باشند و گرداننده بازار کار ایران باشند و نکته دوم آن است که از نظر اندازه و تعداد، این کوهورت بالاترین اندازه در مقایسه با دیگر کوهورت‌های متولدین را دارا هستند. دو نکته فوق می‌تواند توجیه‌کننده دلیل انتخاب کوهورت فوق‌الذکر برای مطالعه حاضر باشد. برای این منظور با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۳۸۹ نفر از متولدین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در شهر دهمدشت از توابع استان کهگیلویه و بویر احمد مورد پیمایش قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌ها نشان داد که حدود ۲۷ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و حدود ۲۸ درصد کارشناسی و بالاتر بوده‌اند. حدود ۲۷ درصد پاسخگویان آخرین مدرک تحصیلی خود را از دانشگاهی دولتی و مابقی از دانشگاه‌های غیردولتی اخذ کرده بودند. تنها حدود ۲۲ درصد پاسخگویان به‌واسطه خانواده خود تجربه نوعی کار را دارا بوده‌اند و سایر پاسخگویان فاقد چنین تجربه‌ای بوده‌اند. تنها حدود ۳۴ درصد از نمونه پیمایش شده در زمان تحقیق شاغل بوده‌اند و در مقابل ۶۶ درصد از کوهورت متولدین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ ساکن شهر دهمدشت فاقد هر گونه درآمد در ۷ روز قبل از زمان تحقیق حاضر بوده‌اند.

حدود ۴۹ درصد افراد مورد مطالعه اظهار داشته‌اند که غیر از تحصیل، حرفه‌ای دیگر را نیز آموخته‌اند. متوسط تعداد اعضای خانواده نمونه مورد بررسی ۴/۴ نفر بوده است. نزدیک به ۷۹ درصد از نمونه مورد بررسی اظهار داشته‌اند که حداقل یک فرد بیکار در خانواده آنها وجود دارد. حدود ۵۰ درصد پدران و ۷۰ درصد مادران نمونه مورد بررسی بی‌سواد بوده‌اند. نتایج روابط دو متغیره نشان داد که آخرین مدرک تحصیلی، تجربه مهارت آموزی، تجربه کار خانوادگی، جنسیت و وجود فرد بیکار در خانواده با وضعیت اشتغال نمونه مورد بررسی رابطه معناداری دارد. یافته‌های دو متغیره بیانگر آن بود که جامعه به همان اندازه که دیگر برای افراد بی‌سواد و با تحصیلات پایین نمی‌تواند اشتغال‌زایی کند برای افراد با تحصیلات دانشگاهی بالا

نیز قادر به چنین کاری نیست. در تحلیل چند متغیره با استفاده از تکنیک رگرسیون لجستیک مشخص شد که تنها متغیرهای جنسیت و تجربه مهارت‌آموزی دارای رابطه معناداری با وضعیت اشتغال هستند. اثر معنادار جنسیت بر وضعیت اشتغال در برخی مطالعات پیشین (دانا، باکار و محمد ۲۰۱۳؛ کاستوگلو و آدامیدیس ۲۰۱۰) نیز بدست آمده است. این یافته گویای آن است که بازار کار ایران کماکان مردمحور است و مردان شانس به مراتب بالاتری برای ورود به بازار کار دارند. رفع تبعیض‌های جنسیتی بازار کار می‌تواند از اهم اقدامات لازم برای تعدیل بازار کار و اشتغال در ایران باشد. کسب مهارت و مهارت‌آموزی و تأثیر آن بر کسب شغل و وضعیت اشتغال در بسیاری مطالعات پیشین (گاسالیا و کومار ۲۰۱۶؛ کومار و مورالی ۲۰۱۳؛ فینچ و همکاران ۲۰۱۳) نیز تأیید شده است.

همان‌طوری که در بخش مرور نظری اشاره شد نظریه قابلیت‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها یکی از مهمترین نظریه‌های قابل طرح در این حوزه است که با نتایج مطالعه حاضر نیز هماهنگ است. به عبارتی یافته اصلی تحقیق حاضر را می‌توان دارای پشتوانه نظری دانست و تبیین نظری کرد. براساس نظریه فوق، جامعه امروز که مبتنی بر دانش است بیشتر به افراد فرهیخته نیاز دارد تا افرادی که در زمینه خاصی آموزش دیده‌اند. دانشگاه‌ها باید به منظور پاسخ گویی به این تقاضا، با تأکید بر برنامه‌های آموزش میان‌رشته‌ای به نوعی زمینه توسعه و تقویت مهارت‌های مختلف را در دانش‌آموختگان فراهم کند و از طریق بازنگری در شیوه‌های آموزش و به جای تأکید صرف بر آموزش‌های نظری و تئوری، با به‌کارگیری شیوه‌هایی از قبیل پروژه، کار آموزشی هدفمند یا یادگیری همراه با کار، کارورزی و توسعه ارتباط با مراکز صنعتی را در دستور کار خود قرار دهند.

از این طریق دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در کنار آموزش‌های نظری، فرصت کار در پروژه‌های مرتبط با رشته تحصیلی خود را پیدا می‌کنند و به‌واسطه کار در محیط واقعی مهارت‌های خود را ارزیابی و توسعه خواهند بخشید و نیازمندی‌های مهارتی خود را بر طرف

می‌کنند. بنابراین دانشگاه‌ها در کنار آموزش‌های رسمی و تئوریک خود باید به سوی آموزش‌های مهارتی مرتبط با بازار کار در هر رشته تحصیلی تغییر مسیر دهند. برای این منظور می‌توان بخشی از واحدهای درسی که هر دانشجو لازم است بگذراند تا موفق به دریافت مدرک تحصیلی گردد را به مهارت‌آموزی‌های مرتبط اختصاص داد.

در پایان و در سطح کلان به‌عنوان پیشنهاد سیاستی می‌توان گفت که وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها باید رشته‌های مورد نیاز بازار کار را در اولویت خود جهت پذیرش دانش‌آموزان و دانشجو قرار دهند و برنامه‌ریزی برای پذیرش در رشته‌های مختلف را با نیاز بازار کار هماهنگ کنند. کاهش ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته‌هایی که امروزه با نیاز بازار کار همخوانی ندارند، می‌تواند افراد را به رشته‌های سوق دهد که از شانس شغلی بالاتری برخوردار هستند. در زمینه پیشنهادات تحقیقاتی نیز انجام تحقیقات کمی و کیفی در سایر مناطق کشور که از نرخ بیکاری بالایی رنج می‌برند می‌تواند تصویر شفافی از وضعیت اشتغال و بیکاری جوانان در کشور بدست دهد. انجام پیمایش‌های منطقه‌ای و حتی ملی، توسط سازمان‌های دولتی، نیز می‌تواند در شناخت ابعاد مختلف مسأله مورد نظر راهگشا باشد. در سطح محلی-منطقه‌ای نیز پیشنهاد می‌شود که مسئولان شهری بر ایجاد، توسعه و کار فرهنگی در زمینه رشته‌های فنی و حرفه‌ای اهتمام بیشتری داشته باشند. گسترش رشته‌های فنی و حرفه‌ای و تنوع بخشی به آنها در سطح شهر دهدشت و نیز اختصاص بودجه‌ای برای توسعه امکانات زیرساختی در این حوزه می‌تواند جوانان شهر را به مهارت‌های فنی و حرفه‌ای جذب نماید. برگزاری دوره‌هایی به منظور آشنایی و ترغیب دانش‌آموزان به رشته‌های فنی نیز می‌تواند بار بیکاری در منطقه مورد نظر را کاهش دهد.

منابع

- براتعلی، مریم، علیرضا یوسفی و سید ابراهیم میرشاه‌جعفری (۱۳۸۹). "زنان اشتغال و تحصیلات آموزش عالی". *مجله آموزش عالی ایران*. دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۷۹-۱۰۱.
- تقدیسی، احمد، داود جمینی و نصرت مرادی (۱۳۹۰). "بررسی و تحلیل روند اشتغال و بیکاری در شهرستان صحنه طی دوره‌های ۸۵-۱۳۷۵". *برنامه‌ریزی فضایی*. سال اول، شماره سوم، صص ۱۰۶-۸۱.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی کار و شغل*. تهران: نشر سمت.
- خواجه نوری، بیژن، عبدالعلی لهسایی‌زاده و جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۴). "بررسی مشارکت اقتصاد زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس)". *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ششم، شماره ۳، صص ۱۲۵-۱۴۵.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۳). "جوانان و اشتغال مطالعه موردی بیکاری و علل پیامد های آن در استان کردستان". *مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- زنگی‌آبادی، علی، علیرضا رحیمی و سمانه مسیبی (۱۳۹۲). "تحلیل تطبیقی شاخص‌های اشتغال شهری شهرستان‌های ایران". *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*. دوره ۲۴، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- شایان، حمیدرضا (۱۳۸۰). "تحلیل کمی روند رشد و تحولات اشتغال در استان خراسان در دهه ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵". *تحقیقات جغرافیایی*. سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۷۳-۸۸.
- شربتیان، محمد حسن (۱۳۸۵). "بررسی ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان". *پیک نور*. دوره ۷، شماره ۳، صص ۸۵-۹۵.
- شرفی، محمد، و عباس عباسپور (۱۳۹۴). "شناسایی قابلیت‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها براساس نظریه داده بنیاد". *نوآوری و ارزش آفرینی*. سال سوم، شماره ۷، صص ۳۳-۴۸.
- صادقی، رسول (۱۳۹۹). *چالش‌های فراروی سیاست‌های کلی جمعیت، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳ خرداد ۱۳۹۹، کد خبر ۸۳۸۰۸۰۵۵

- صباغ‌کرمانی، مجید (۱۳۸۰). "تجزیه و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای اشتغال در استان‌های کشور"، *مدرس علوم انسانی*. دوره ۵، شماره ۲، پیاپی ۱۹، صص ۱-۲۰.
- صفوی، بیژن (۱۳۸۳). "بررسی قابلیت‌های اشتغالزایی بخش صنعت ایران". *پژوهش‌های اقتصادی ایران*. دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۱۶۷-۱۴۳.
- صیدایی، اسکندر، عیسی بهاری و امیر زارعی (۱۳۹۰). "بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۳۵-۸۹". *راهبرد توسعه*. شماره ۲۵، صص ۲۴۷-۲۱۶.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال (۱۳۹۹). سیاست‌های کلی جمعیت در ایران: چالش‌ها و راهکارها، *خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران*، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، کد خبر: ۸۳۷۹۱۱۶۱
- فرهودی، رحمت‌الله و اکبر محمدی (۱۳۸۵). "تحلیل و پیش‌بینی وضعیت اشتغال در شهر سنندج با استفاده از مدل تغییر سهم ضریب مکانی و ضریب جینی". *پژوهش‌های جغرافیایی*. شماره ۱۲، صص ۷۶-۵۵.
- قدیری‌معصوم، مجتبی، مسعود مهدوی و حمید برقی (۱۳۸۴). "بررسی آمار روند رشد و تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان". *پژوهش‌های جغرافیایی*. شماره ۵۴، صص ۱۷۵-۱۵۳.
- قرخلو، مهدی و اصغر عابدینی (۱۳۸۸). "ارزیابی چالش‌ها و مشکلات شهرهای جدید و میزان موفقیت آن‌ها در ایران: شهر جدید سهند". *فصلنامه مدرس علوم انسانی*. دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۹۱.
- قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۰). "اشتغال و بیکاری"، *کار و جامعه*. شماره ۴۲، صص ۱۷-۲۲.
- قنبری، یوسف، داود جمینی و حسین کماسی (۱۳۹۱). "بررسی و تحلیل اشتغال و بیکاری در شهرهای مرزی طی دوره ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ (مطالعه موردی شهرستان مرزی جوانرود)". مقاله ارائه شده در همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافتها، پژوهشکده علوم زمین و جغرافیا دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳۰ فروردین ۱۳۹۱.
- کهنسال، محمدرضا و هادی رفیعی‌دارانی (۱۳۹۲). "بررسی پتانسیل اشتغال زاینخش کشاورزی در عرصه اقتصاد شهر و روستا (مطالعه موردی استان خراسان رضوی)". *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، سال ۵، شماره ۱، صص ۴۵-۲۳.

- محسنی تبریزی، علیرضا و محمد میرزایی (۱۳۸۳). "میزان سنجش و انگیزش به کار (مورد مطالعه جوانان و زنان روستایی روستاهای آذربایجان شرقی)". *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۵، شماره ۴، صص ۳-۳۱.
- محمودیانی (۱۳۹۹). *برنامه‌ریزی راهبردی سیاست‌های جمعیتی با توجه به ویژگی‌های استان فارس با تأکید بر اهداف شورای راهبردی جمعیت*، طرح تحقیقاتی فی‌مابین دانشگاه شیراز و اداره ثبت احوال استان فارس.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). *چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در پاییز*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵*.
- نجفی، بهالدین (۱۳۸۸). "تجربیات جهانی در زمینه نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر و اشتغال‌زایی". *مجله تعاون و کشاورزی*. دوره ۲۰، شماره ۲۰۶ و ۲۰۷، صص ۱-۲۰.
- وارثی، حمیدرضا و دیبا زیرک‌باش (۱۳۸۵). "نقش شهرهای جدید در توسعه پایدار منطقه‌ای با نگرش به شهرهای جدید اصفهان". *مجله فضایی جغرافیایی*. دور ۱، شماره ۱، صص ۱۰۴-۱۲۷.
- وارثی، حمیدرضا، محمد قنبری و حسین پورقیومی (۱۳۹۱). "ارزیابی میزان تحقق‌پذیری طرح جامع شهر جدید بینالود (جمعیت، اشتغال، مسکن)". *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*. سال ۲۳، شماره ۴، صص ۱۳۹۰-۱۵۰.
- Ahmad, Z. (1984). "Rural women and their work: dependence and alternatives for Change". *International Labour Review* 123(1): 71-86.
- AL-Mutairi, A., K. Naser and M. Saeid (2014). "Employability Factors of Business Graduates in Kuwait: Evidence from an Emerging Country". *International Journal of Business and Management* 9 (10): 49-61.
- Arestis P., and I. B. F. Mariscal (1998). "Capital shortages and asymmetries in UK unemployment". *Structural Change and Economic Dynamics* 9(2): 189-204.
- Beck, U. (1992). *Risk Society: Toward a New Modernity*, London: SAGE Publications.
- Brynin, M. (2002). "Graduate Density, Gender and Employment". *British Journal of Sociology* 53: 63 -87.

- Dania, J., A. Bakar and Sh. Mohamed (2014). "Factors Influencing the Acquisition of Employability Skills by Students of Selected Technical Secondary School in Malaysia". *International Education Studies* 7(2): 117-124.
- Edinyang, S. C. O. Odey, and J. Gimba (2015). "Academic factors and graduate employability in Nigeria" *Global Journal of Human Resource Management* 3(5): 9-17.
- Finch, D.J., L.K Hamilton, R. Baldwin and M. Zehner (2013). "An exploratory study of factors affecting undergraduate Employability". *Education and Training* 55(7): 681-704.
- Gowsalya, G., A. Kumar (2016). "A study on the factors affecting employability skills among college students in Namakkal District of Tamil Nadu". *International Journal of Commerce and Management Research* 2(11): 9-14.
- Jun, K and J. Fan (2011). "Factors Affecting Job Opportunities for University Graduates in China, the Evidence from University Graduates in Beijing". *Research in World Economy* 2(1): 13-26.
- Kostoglou, V., and P. Adamidis (2010). Analyzing the employability of higher education graduates and detecting the effecting factors. *The Cyprus journal of sciences* 8: 73-88.
- Kumar, A.R., and K. Murali (2013). "Important Factors - Affecting Fresh Civil Engineering Graduates Job Opportunities". *International Research Journal of Engineering and Technology* 3: 1384-1388.
- Li, T and J. Zhang (2010). "What Determines Employment Opportunity for College Graduates in China after Higher Education Reform?". *China Economic Review*, 21: 38 – 50.
- Maung, M (1985). "Female Labor participation in Myanmar". *Signs* 28(3): 455-490.
- Smith, G (2005). "Communication skills critical for internal auditors". *Managerial Journal* 20 (5): 513-519.
- Wexley, K and G. Yuki (1984). *Organizational behavior and personnel psychology*, Illinois: R. D. Irwin.

Original Research Article ■

The Status and Predictors of Likelihood of Employment Among Those Born Between 1976-1986 in The City of Dehdasht

Soheila Parvizi¹
Aliyar Ahmadi²
Serajeddin Mahmoudiani³

Abstract Employment is social and economic issue that has individual and structural consequences. In the present study, the status and socio-economic predictors of employment among individuals who were born on 1976-1986 in Dehdasht city were examined. In order to do this, using researcher-made questionnaire and multi-stage sampling, a total of 389 individuals were surveyed. The findings of logistic regression analysis indicated that gender and skills-learning had a statistically significant impact on the likelihood of employment. Based on the findings of this study, it can be concluded that universities should pay more attention to training the skills related to labor market. For this purpose, it is suggested that some part of students courses in universities to be allocated to skills related to labor market needs. In addition, Effort to reducing the gender discrimination in labor market should be considered.

Keywords Employment, Gender, Skill, Higher Education, The city of Dehdasht.

Received : 18-03-2020

Accepted: 19-10-2020

1 M.A in Demography, Department of Sociology and Social Planning, Shiraz University, sohayla.parvizi@gmail.com

2 Associate Professor, Department of Sociology and Social Planning, Shiraz University, (Corresponding author) Ahmadi.aliyar@gmail.com

3 Assistant Professor, Department of Sociology and Social Planning, Shiraz University, serajmahmoudiani@gmail.com